

5-2-1966

Khalq (May 2, 1966 no. 4)

People's Democratic Party of Afghanistan

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/khalq>

 Part of the [International and Area Studies Commons](#), and the [Political Science Commons](#)

Recommended Citation

People's Democratic Party of Afghanistan, "Khalq (May 2, 1966 no. 4)" (1966). *Khalq*. 3.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/khalq/3>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Khalq by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.



وسایل و راهبائی که آرمانهای خلقهای ستمیدید افغانستان

و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی میرساند
-۳-

الف: ضرورت تاریخی سازمان سیاسی نوع جدید

طی يك نسل انسانی، حکومت های استبدادی و مطلقه ملت زحمتکش ما را در تمام شئون زندگی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار انحطاط و رقت باری کرد و از رشد شعور اجتماعی و سیاسی جوانان کشور ماهرانه بشیوه اداره استعماری و فئودالی جلوگیری بعمل آورد و استبداد سازمانی آنها را دچار نمود و ضعف کرد.

هر طبقه حاکمه از تجاری و زمامداران مستبد معمولاً از بیداری خلقها و بیداری شعور طبقاتی افراد ملت و بخصوص از روحیه سازمانی نیروهای ترقیخواه علمی وحشت دارد.

در دوره های حکومت سابق، بنابر سانسور شدید و بی رحمانه مطبوعات و ایجاد ترور و وحشت، مجلس های بدون مجامع، حتی منورین کشور نیز از اظهار نظراتیکه از آن مفهوم مداخله در سیاست استشمام میشد بیم و ترس داشتند. ولی بمصادق این اصل که جهان در تغییر است، توفان جنبش های امپیل اجتماعی و نجات بخش ملل جهان سرانجام این منطقه تجرید شده از دیوار نیز تکان داد و بآن ا لها م بخشید.

دهم اخیر، نقطه تحول بزرگ در جریانات بین المللی و تحول نسبی در حیات ملی ما بود. امروز می رود که خلقهای افغانستان و جوانان و روشنفکر کشور بسیاری تکان عمده را در دست کنند و از سکوت و وحشت انگیز دور استبداد بیرون برآیند و شور و شوق به مبارزات پارلمانی، حزبی و نشراتی و ... پیدا نمایند.

نشر مرام دموکراتیک خلق تمام طبقات و قشر های اجتماعی جامعه را تکان داد و در اثر آن دیده میشود که صفوف و جبهه ها مشخص تر میگردد، خطوط فاصل کشیده میشود و «مرام» جبراً مقام شامخ علمی خود را در حیات اجتماعی احراز مینماید و عرصه را برای نیروهای اجتماعی تکان تر می سازد و عرصه نیروهای پیشرو تار بیخ را در جامعه وسعت می بخشد.
همچنان جنبش دموکراتیک و مترقی (درس ۲)

کیست درین انجمن محرم عشق غیور
ماهه بی غیبتیم آینه در کز بلاست

قیام حسینی

«ان الحیاة عقیده و جهاد»

حسین (ع)

واقعه المنان کنی در آغاز تاسیس خلافت اسلامی رخ داد که تا هنوز بمدای هزار و چارصد سال در میان مسلمین آثار غم انگیز آن باقیست. در تحلیل علمی، منشأ طبقاتی آن معلوم است. افسکار و شخصیت امام حسین (رض) در مبری آن از جنبش ستمکشان و هوخواهان عدل و تقوی و سادگی، سیاست و عدالت اجتماعی صدر اسلام به عبادت مند کور شکل جنبش انقلابی داده است. به این معنی که در تاریخ چنان (درس ۴)

دولسی جرگی استیضاح ته یوه گتته

د پنجو کسو وزیرانو په خصوص کښی دایره شوه چه دوی داساسی قانون د (۸۹) مادی داصل او د دولسی جرگی دداخلی وظایفو د (۲۹) مادی په خلاف لومړی تر هغه چه د دولسی جرگی نه (باتی) په دریم مخ کښی

ددی دپاره چه زموږ گران هیواد وال دولسی جرگه د استیضاحی جرگه لسا تو غصه خپری لسا دس یو ښه دولسی جرگی دغه استیضاحی پیشی په لاندی ډول په لاندی توگه تحلیلوو ا دخل ۲۳ نېټی استیضاحی غونډه

دگران افغانستان د دولسی جرگی وروستی جریانات او پارلمانی ژوند دملی او بین المللی بشو شرایطو او داساسی قانون ددموکراتیکو ارزښتونو پر بنسټ یوه لوی ښه غوره کړی ده.

اساساً زموږ دولسی جرگه (له اقتصادی نظره) یوه داسی جرگه ده چه په هغه کښی طبقاتی تمایلات ډیر غرځ کښی بیی. مثلاً کله چه خپره د د حقانو او داستنمار دستم دورکو او په خصوص کښی مینغ تهراشی لوی که غه هم داخبری د علم منطق او دقو لنی دعینی تکامل یرقانون باندی ښاوی خو بیاهم هغی له دوی نه دخیلو طبقاتی کتو د ساتلو د پاره دغه ملی دموکراتیک او اصولی خبری په ډول ډول وسایلو رده وی.

اودغه ښو پیشنهادو اودخلسکو په گټو بلانو ته هیڅ غوک نه ایزدی او عجیب شوه ما شوره جوله کړی چه دغه په اوردحق دغه خبری د وطن خوا هانو دموکراتو اوملی عناصرو غوک و نه وه رسپیری او دمحر و مو طبقو دمانا ښه گانو خبری غوڅوشی.

حکومت را در مورد تعیین معارف متوازن، همه جانبه و نسبتاً بصراحت و آشکارا انتقاد کرد و بطور کلی در باره معارف آنی الذکر اقدامات حکومت استیضاح شد.

بعضی از وکلان معتمد حکومتهای سابق موجوده رأی باین سبب مؤول و مورد انتقاد قرار میدادند که قسمت بزرگ بودجه معارف را در کابل بمصرف رسانیده و به ولایات کمتر تخصیص داده اند بدین دلیل که عمارات باشکوه و بزرگ معارف تنها در کابل ښایافته است و شهریان کابل اضافه تر از وسایل تعلیم و تربیت برخوردار گردیده اند. عده دیگر کمبودی پرسوئل تعلیمی و نقایص کمی و کیفی اصحاب پروگرامهای معارف را یاد آوری و حکومت ما را انتقاد و محکوم به سهل انگاری مینمودند.

هنگامیکن از وکلای دولت عمده نواقص کیفی پروگرامها و بصورت عمومی باین بودن سوئے تعلیمی و تربیتی معارف افغانستان را بسته به نفوذ بعضی از ممالک خارجی از آن جمله دختران و پسران جوان (پیسکورد) امریکایی خواند که بمقاصد «دیپلوماتیک» وارد افغانستان شده و در نتیجه موجب انحطاط اخلاقی جوانان و ... میگردد. موصوف در این باره چگونگی وضعیت ایستاد احمد شاه بابا را در قندهار مثال داد.

عده دیگر به تمایزاتی جریان دموکراتیک خلق موجودیت طبقه حاکمه فئودالی و نفوذ استعمار فرهنگی و عدم آزادی تعلیم و ... راه معارف کشور عوامل پسمانی و عدم رشد معارف ملی، مترقی و دموکراتیک خواند. (درس ۳)

دمی لومړی ورځ

دپاره جوړشو چه د کار وخت دی دورخی (۸) ساعته وی. په همدی کانگرس کښی د شیکاگو دمظاهری دپادوانی په ویاړ دمی لومړی ورځ د نړی دپولو او کارگرانو ورځ رسماً تصویب او ومنله شوه او په ۱۸۹۰ کال کښی دا ورځ د نړی په ډیرو ملکونو کښی ومانا منله شوه او اوس دقو لنی نړی دکارگرانو د ورځی په حیث قبوله شوی ده.

خلمق: دکارگرانو ددې تاریخی ورځی یادونه او مانا مننه کوی او دا افغانستان او د نړی دقو لنی کارگرانو او زیاد استو لکو ته بهر ښه وایی.

دمی لومړی ورځ د نړی دقو لنی کارگرانو دیووالی او ورولی ورځ قیام کل شوی ده. په دې ورځ کښی د نړی ډول کارگران رخصت دی او جشنونه ایسی. دمی په لومړی په کال ۱۸۸۶ کښی د امریکای د شیکاگو په ښار کښی کارگرانو یوه ستره مظا هره وکړه او په هغه کښی می وغوښتل چه دکار وخت دی دورخی (۸) ساعته و قیام کل شی. خړوبلیسو پر دوی لاری وکړی او یو ډیر شمیر کارگران لاری مړه کړل. په کال ۱۸۸۹ کښی د دوهم انتر نیشنل یو کانگرس په پاريس کښی د دې

اصطلاحات و مقولات اجتماعی

(ط - ب)

۴-

اقسام طبقات : در جوامع طبقاتی بصورت کلی دو قسم طبقه موجود است یکی طبقات اصلی و دیگری طبقات فرعی. طبقات اولی آنها ای اند که بدون آنان طرز تولید متداول جامعه نمیتواند بوجود بیاید آنها با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم اند مانند ملاک و بزگر در جامعه زمینداری و سرمایه دار و کسب در جامعه سرمایه داری طبقات دومی آنها ای اند که با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم نمی باشند مانند تاجران در جامعه زمینداری و دهقانان در جامعه سرمایه داری .

اقتدار طبقات : علاوه بر اقتدار اجتماعی مستقل (مانند پیشه وران) افراد طبقات زرکس و اصلی هم بر روی یک خط افقی قرار ندارند، همین دسته های خود دتر (سکشن ها) که با هم بیشتر شبیه اند اقتدار مختلف طبقات را بوجود می آورند مانند چند قشر زحمت کشان یا اقتدار ملاکان (بزک و کوجک) و غیره .

تناقضات طبقات : چون منشأ ظهور طبقه مالکیت منفردانه و سایل تولید اجتماعی است لذا با تناقض تکامل آن نابرابری های اقتصادی - اجتماعی نیز ایجاد شده و مپسان طبقات یک

علم و فلسفه نو

(۵ اکتور - ش)

افرونی که برای کسب دانش دارد، از سیانس و فلسفه نو بنا بر عوامل استعمار خارجی و ارتجاع و استبداد داخلی بکنار نگاه داشته شده است. از همین سبب خلائیکه در انرفقدان علم در اذهان مردم ایجاد گردیده با افکار تعصب آمیز و ارتجاعی پر شده و بر خورد تعصب آمیز بمسائل عمده اینکه باید در بر نو سیانس و فلسفه نو مطالعه گردد ما را هنوز هم از کاروان سر یح السیر علم دور نگاه میدارد .

برای آنکه بر اساس علم نو دگرگونی ای در اذهان مردم خود ایجاد کنیم وسایل زیادی را بسایند بکار بندیم اما آنچه مر بوط بفرز و نظریست و مترقیست: با بدنا حد توان بکشیم که هر چه زودتر خود را با دانش نو آشنا سازیم و تعصب و کوراه نظری را بدور افکنیم .

چربنده خلق که ناسا شرافسکار دموکراتیک خلق است و وظیفه خود میداند که هموطنان عزیز و جوانان روشنفکر را تا حد امکان درین راه کمک کند و درین سلسله اصطلاحات، مقالات و مباحث علمی و فلسفی نوین را نشر نماید .

اصطلاحات علمی و فلسفی نو:
فلسفه نو: کهن ترین شعبه دانش بشریست که بعد مسایل عمومی سیانس و انوار از عمه بسأله رابطه بین شعور و ماده می پردازد و بر مبنای حل علمی این سوال عمده فلسفه، عمومی ترین قوانینی را استخراج می نماید که بر اساس آن طبیعت و اجتماع تکامل میکنند. بقول یکی از فلاسفه، فلسفه قابل تشبیه به تنه درخت بزرگ است که شاخه های منهد در آنرا دیگر علوم تشکیل میدهند و شاخه ها سرراغ کرد، سیانس و فلسفه را نیز نمیتوان جدا کرد بگریز کرد از علم (سیانس) سیستمی است از دانش انسانی درباره طبیعت، اجتماع و تفکر که جهان را در مفاهیم، موازین مقولات و قوانین انعکاس میدهد که راستی و درستی آنرا تجربه عملی به اثبات میرساند.

ایدیالوژی : شامل مجموعه نظرات و افکار سیاسی، قضایی، اخلاقی هنری و دیگر اندیشه های یک طبقه مشخص جامعه است .

اسلوب (میتود): مجموعه موازین مشخص و طرق مطالعه تیوریک و شیوه های فعالیت عملی است که در فلسفه و دیگر علوم راه رسیدن به هدف را نشان میدهد و از اینرو هر علم و فلسفه اسلوب جداگانه دارد که مختص بحدودش است .

«باقییدارد»
 تیوری دموکراتیک خلق خواهد بود که بحیث یک وسیله اساسی مردم را دموکراتیک خلق و آرمانهای خلقهای ستمدیده افغانستان را به پیروزی میرساند .

«باقی در شماره آینه»

بیشرفت های شگرف علم امروری بمنزله آتشی بود که بر خرمن جهالت کورانه نظری، تعصب و اوهام پرستی افکنده شد و راه را با کشفیات بزرگی چون قانون بقا و تحول انرژی، تیوری ساختمان حجری موجودات زنده، تیوری ارتقا و تیوری اتمی و غیره برای رشد فلسفه نوین و علمی باز کرد و فلسفه علمی نوین نیز به نوبه خود دایقان بر علم را استوار تر ساخت و زمینه پیشرفت بیشتر آنرا فراهم آورده و در نتیجه درهای کیهان را با اسپه تنیک ما، ستونکها و لولها برای انسان گشود و عصر کیهان را آغاز نهاد .

قدرت زنده سیانس و فلسفه نوین در اینست که قوانین حاکم بر طبیعت و اجتماع را آشکار ساخت و راه استفاده از این قوانین را به سود بشریت و طرق تأمین حیات مرفه و آبرومند نشان داد و با نوردانش اصیل بر تیرگی جهالت چیره گشت .

میانس اصیل قوانین همین عمل و رشد تیر و های طبیعت و جامعه را کشف نمود، پیش بینی او را ممکن ساخت و راه آینده انکشاف را روشن کرد در جامعه ای که علم او و اصیل راه نیافته است نمیتوان ادعای انکشاف نمود و در انتظار آینه در خشان نشست که مبتنی بر نیروهای مولد متکامل و تکنولوژی مدرن باشد .
 جامعه افغانی با وجود تشنگی روز -

و منورین مترقی که تیوری ذهنمون نهضت دموکراتیک بجهت هدف انهایی میباید شد . تیوری ذهنمون دموکراتیک خلق و وظیفه دارد تا بخاطر تطبیق «مرام» خود مبارزه خلقها را علیه استبداد و ارتجاع متحد ساخته و راه ساختمان یک جامعه آزاد، دموکراتیک و خوشبخت را بآنها نشان دهد و همه خلق را بیدار سازد و جنبش را بر ضد فئودالیسم، امپریالیسم

بسط و توسعه دهد و نظام مشروطیت دموکراسی را برپا سازد و قدرت های مطلقه سیاسی و اقتصادی و مناسبات کهنه تو لیدی موجود را که مانع جدی و سرسخت در راه ترقی اجتماعی و انکشاف نیروهای تولیدی و دموکراسی اصیل اجتماعی است برافکند .

از کلیه سازمان ها بیکجا بوسیله طبقه زحمتکش خلق ایجاد میگردد، فقط سازمان سیاسی آن میتواند که از مصالح عالی و اساسی توده های عظیم مردم دفاع نماید و قسمت باشعور و پیشرو طبقه باشد و آنرا بجانب پیروزی کامل و هدف انهایی رهبری کند . برای این منظور زحمتکشان خلق ایبا زمتندی بیک سازمان نوع عالی دارند . سازمانی که خود را تنها به دفع احتیاجات روز مره مردم محدود نسازد بلکه هدف آن مبتنی بر رساندن طبقه زحمتکش خلق به غایه مطلوب و تمییر اساسی جامعه استوار باشد و زبیشه های خود را در اعماق توده های مردم توسعه دهد . چنین یک سازمان در کشور

شبه طبقه : دسته های اجتماعی مانند (روشنفکران) که اصلاً مربوط به طبقات اصلی یا فرعی جامعه هستند نسبت بعضی وجوه مشترک موقیمت اجتماعی موقتی شبیه پیدا میکنند و یک (شبه طبقه) را تشکیل میدهند و در تحلیل آخری به طبقات اصلی خود باز میگرددند .

حزب طبقه : نمایندگان مدافع سیاسی منافع یک طبقه در مامیت خود حزب طبقه اند که از روشنفکران همسکری بصورت اتحاد و اوطنیان بوجود میاید . اینها اشخاص خبیر طبقه اند و این سازمان سیاسی عالی ترین شکل تشکیلاتی طبقاتیست که طبقات را در تنازعات شان رهبری میکند . (باقییدارد)

وسایل و راههای دیگر...

(از من اول)

چیرا بر شد خویش ادامه میدهد و کامیابی بجلو بر میورد و روز بروز احیای روح دموکراسی و آزادی سیاسی در میان قشرهای مختلف طبقات اجتماعی بطور غیر مستقیم ظاهر میگردد . واضحاً بشاهده میرسد که افغانستان دیگر از رسته شرافط سیاسی گذشته وارد زمان جدید گردیده و در مقدمه مرحله یک جنبش قابل ستایش نوین پامیکندارد .

شرایط مساعد ملی و بین المللی بیان کننده این واقعیت است که این مرحله جدید به استواری دموکراسی ملی منجر میشود و در جنبش، گروه واقعا پیشآهنیک و ترقیخواه با بمیدان مبارزه میگردد و در نتیجه موجب پیشروی دموکراسی ملی بسوی دموکراسی اصیل اجتماعی میگردد و مردم و دموکراتیک خلق منجیت قانون عینی تکامل جامعه در این مرحله تاریخی تحقق مییابد .

تاریخ در برابر تمام عناصر، محافل و نیروهای ترقیخواه علمی، دموکراتیک و وطن پرست که به جهنم بیخوردی و سادقانه ارتباط دارند ضروری ترین و نزدیک ترین وظیفه را قرار داده است تا به خصوصیات دوره سابق و کهنه از قبیل

محفل بازی، خرده کاری، بی اصولی جنب و تامل و روحیه خودخواهی فیودالی خاتمه داده شود و لیرا اقدام به تکامل سازمان نوع جدید و عالی (دموکراتیک خلق) کنند . تاریخ شکست های تاخ نهضت های خود بخودی توده های مردم و مبارزات ملی و مطه خود املی کشور بخصوص طی پنج دهه اخیر بما می آید و زانده که یک جنبش، فقط از طریق انکشاف سرایع صنایع ملی و تشکیل طبقه کسب کارگر و ایجاد سازمان سیاسی قوی و مترکز که با اید بسا لوی علمی مجوز باشد و قدرت رهبری مبارزه خلقی را بر پایه های تشکیلات مستحکم و مرام علمی و روشن (دموکراسی دموکراتیک خلق) استوار سازد، میتواند به پیروزی انهایی دست در تحت شرایط جدید تاریخی و در وضع موجود کشور نقش رهبری سازمان در نهضت دموکراتیک و خلقی ضد مناسبات منسوخ فیودالی (ملوک الطور افمی) و استعمار و استعمار را میر با لیبستی از مسایل مهم حیات سیاسی بر میورد . سازمان سیاسی نوع جدید افغانستان که ناشر افکار دموکراتیک خلق در راه تکامل آن مبارزه «قانونی» مینماید همانا عبارت خواهد بود از یک دسته پیشآهنیک طبقه کارگر با اتحاد دموکراتان

(از س اول)

معارف متوازن

متذکر شد که اینگونه حکومت از احوال و منافع طبقاتی خود نمیگذارد که عده بیشتر فرزندان خلق از مزایای مالی معارف ملی مستفید گردند و در نتیجه به پیشرفت و ارتقای اقتصادی و سیاسی کشور خدمات برارزشی را انجام دهند. اما باید خاطر نشان ساخت که در این استیضاح اکثر و کلاً به علل و عوامل اصلی عدم توزیع متوازن وسایل معیوم معارف را بصورت یکجا به معنی براساسی (سهولت و آسایش) طرح مینمودند. باید گفت که موضوع استیضاح از وسایل معارف اول تر از همه يك موضوع طبقه ایست همچنانکه يك نظام اقتصادی - اجتماعی فیودالی و بورژوازی قادر به توزیع وسایل مادی زندگی نمی باشد بصورت متوازن و مطابق استحقاق و زحمات هر کس ایست و وسایل معارف را نیز نمی تواند در دسترس همه طبقات ستمکش بگذارد و یاد در چنین شرایطی برای پیشرفت و انکشاف همه شقوق اقتصادی و اجتماعی پرسوأل کفافی و صحیح تهیه نیست.

بمبارت دیگر در همجو سیستمها بنا بر عدم رشد کافی قوای تولیدی و متناسب بودن روابط تولید تمام وسایل حیاتی منجمله معارف محدود و ناکافی بود و آنچه که هست آنها از طرف طبقات حاکمه بنا بر شرایط مساعدی که در اختیار آنهاست بصورت يك جا به مورد استفاده قرار نمیگیرد.

در افغانستان عزیز نیز وضع بهین تر تبیین است چه با وجود آنکه مصارف معارف از دسترنج و کار ۹۵ فیصد طبقات مولد و زحمتکش کشور برداشته میشود، باز هم نود و نه های مردم از تسهیلات معارف عمومی و مجانی برخوردار شده نمیتوانند.

علت این امر است که -

۱- سهم عده ای از معارف و وسایل معارف از طرف عده معدود و دی چند میشود و فرزندان خلق مجال تحصیل را نمیابند و هم طبقات و اقشار حاکمه مانند فیودالها تجار عده کمپرا دور سرمایه داران، بوروکراتها از تمام نام مادی و معنوی معارف بهره بیشتر از خلق متمتع میگرددند. و این بدات خود علاوه بر اینکه توازن معارف مارا برهم بیندازد و تضاد عمیق اقتصادی و اجتماعی را نیز بین طبقات تشدید میکند که با اتخاذ تدابیر و وسایل سطحی و عادی این تضادها ریشه کن شده نمیتواند.

مثلاً: در کابل که واقفاً حصه کسلی بود چه معارف افغانستان به مصرف میرسد باز هم عملاً دیده میشود که اکثریت بورژوازی طبقات زحمتکش کابل به

دولسی جرگی استیضاح...

(دولسی میخ باتی)

داعتماد رأی و اختیله شی دوزبرانو به حیث مقرر شوی وو. دولسی جرگی ددا خلی و ظا یغو (۲۹) ماده داسی شرگندوی: «که حکومت تشکیلیدو به وخت کتبی مجبئی وزیران قماکل شوی نهوی، صدر اعظم مکلف دی چه لومری دهغو تر قماکلوی لسی جرگی ته مهری کپی اداعتماد رأی و فروادی.»

د اصولنا می که دغی مادی سره سم د حکومت رئیس، باید دانوی وزیرانو د باره لومری تر هغه چه فرمان یسی و اختیله شی داعتماد رأی غوینتی و ای. که هه هم دغه استیضاح دیو شو تنو و کیلانو له خوا بر مستندو، ق اوئی، تاریخی او سیاسی دلانو و شوو. خود حکومت توضیح دولسی جرگی اکثریت ته قناعت و نه کپی ای شوی.

نوپه دغه سبب دولسی جرگی به بله غونده کتبی داسی فیصله و شوو چه به دغه برخه کتبی دی کوم تصویب و شی. به دی دول دولسی جرگی دداخلی و ظا یغو داصول (۲۹) ماده دیو دموکراتیک اصل به حیث پرمخای باته شو او دغه حقوقی اعتبار

نسبت نداشتن شرایط لازم برای تعلیم و تربیت و لوا ابتدایی هم باشد موقوف ندارند و حصه کتبی بودجه معارف از طرف قشر لودو کرات، تجار کمپرا دور و غیره اقشار آسوده حال کابل جذب میگردد. همچنین در ولایات و دهات اطفال کارگران و دهانین و سایر قشرهای غریب و ناتوان از همان تخصیصیه های قلیل معارف که از مرکز برای شان ارسال میگردد نیز برخوردار شده نمیتوانند و در نتیجه از حد اقل تعلیم که حق قانونی شاست محروم میگرددند.

بصورت کسلی در افغانستان (۴۰۳۲۸۵) شاگردان و ذکو وجود دارد و اکثریت قاطع آن منحصر بطبقات حاکمه می باشد.

این عدم توازن در استفاده از وسایل معارف یکی از عوامل دیگریست که موازنه حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلقها را برهم زده و آثار آنها و تشنجات اجتماعی را بار آورده است. بعقیده ما در چنین احوال حکومت که از نظر موقف طبقاتی خویش از همه اولتر حامی و حافظ منافع اقتصادی و اجتماعی طبقه خود و سایر قشرهای حاکمه است کمتر توجه دارد تا هدایت کامل و صحیح را در تقسیم وسایل معیوم معارف طبق ماده (۳۴) قانون اساسی چه در بین طبقات مختلف و چه بین ولایات کشور تأمین کنند ولی با وجود آن چون حکومت ادعای

بیا هم تأیید شو. بلکه چه دحمل د ۳۰ غوندی استیضاح دخلق دچریدی دمدی گئی به سر مقاله کتبی به اصولی تحلیل شوی ده نو له دی چه د دور ۶۶ نیقی بر استیضاح بانندی لومکت کو و.

د دور ۶۶ نیقی استیضاح غونده دهیواد به داخل کتبی دشاغلی صدر اعظم دمسافر تونو او داساسی قانون دمواد د تطبیق به برخه کتبی دده دانتها هاتو به هکله دایر شوو. به دی جلسه کتبی شاغلی صدر اعظم لومری امیند گاونده لاند را بورور کپی و ریسی دولسی جرگی امیند گاونده مشکلات او مسائل طرح کپل کوم چه د حکومت او قضایی قوی لاندی اداری هغه ددوی به انتخابی حوزو کتبی مینبع ته داعمی.

د نماینده گانو دشکا یا تو مقهور غالباً به دی برخه کتبی و چه داساسی قانون هغه فصل چه دخلکو به حقوقی بودی اده لری تراوسه پوری دهیواد به پور و برخو کتبی نه دی تطبیق شوی او شاغلی صدر اعظم داسی خبری کولی چه گواکی

ملی بودن خود را در هر زمان و مکان به ذرائع مختلفه و انود می سازد پس وظیفه و مکلفیت او در تمامین توازن صحیح و دموکراتیک معارف بین طبقات مختلف کشور و ولایات، طبق قانون اساسی و مرام دموکراتیک خلق هویدا و آشکار است.

زیرا يك حکومت ملی همیشه نظراً و عملاً برای تأمین منظور مذکور و برای تهیه زمینه و شرایط مساعد جهت از بین بردن سیستم اقتصادی - اجتماعی فیودالی که عامل همه بدبختیهای حیات ملی ماست با تمام اشکال رو بنامی آن مبارزه میکند و به این صورت راه را برای آمدن يك دموکراسی ملی که بر جهان بینی علمی متکی باشد بدون انحرافات و فرو گذاشت باز مینماید.

مصالح اساسی و حیاتی ملی ایجاد میکند تا حکومت و شوروی ماهیت جا به داری طبقاتی خود را به اثر ایجابات او ضاع عینی و ذهنی و مقتضیات عصر حتی الامکان نرمتر و سبکتر گرداند و بتدوین، تصویب و تطبیق قوانین دموکراتیک بهر داذد که در اثر آن اصلاحات اساسی ارضی، ملی شدن تجارت خارج تأمین گردد تا توسط این قوانین از یکطرف منابع مهم تولیدی در اختیار عامه یعنی تمام طبقات محروم کشور قرار گیرد و از جانب دیگر منابع کافی تمویل معارف ملی، مترقی و عالی از نفوذ فیودالی و استعماری رادر کشور و سرمایه وجود آورد. (ن)

هغه ددوی دیوشتنو توضیحات دی مندا دول د خلك دموکراتیک اما ایند گاونده دیوادد و روسته باته والی فقر، ناروخی، نابوهی اساسی ملت چه زموان د اقتصاددی گئی ندی بر میننگت او داساسی قانون ددمو کراتیک و ارزیشو نو د تطبیق مانع گرزی داوبا له، چه به افغانستان کتبی دفیودالیزم (ملوک الطوائفی) نفوذ پورا و غیبتلی دی اووی و یل داچه دغه اقتصادی او اجتماعی سیستم دمحروم و موخلمکو دژوندانه، پرقا و اوله خوا و اولده اغیزه کپی ده، یوتاریخی واقعت دی چه به هیش قو که دغه نه انکار نشی کیدای او د هغه هغه انکار دامعنی لری چه دجامعی بیژندلی دنوی علم هغه انکار و شی. حال داچه دغی تلقی او عمل ژر یا و ر و سبه دتاریخ له خوا محکوم کیدونسکی دی.

نورا احمد

(د پنجوا می وکیل به ولسی جرگه کتبی)

لغات

واصطلات مرام دموکراتیک خلق

امپریالیزم: حالتی که در آن در هر مرحله سرما به داری که از او اضر قرن ۱۹ و اوائل قرن بیستم آغاز شد. امپریالیزم سرمایه داری آن مرحله ایست که تسلط انحصارات و سرمایه مالی برقرار شده و صدور سرمایه (مثلاً و خترب وغیره) جای مهمی را اشغال میکنند.

سختور آتیژی: علم رهبری مبارزه طبقاتی خلقهای زحمتکش بجهت هدف عمده در يك مرحله معین تاریخی (مثلاً در کشور ما مرحله جنبش دموکراسی ملی).

بوروکراتیزم و بوروکرات: بوروکراتیزم عبارتست از اداره امور از طریق کاغذ برانی، مقررات تراشی عدم علاقه به ماهیت مسائل، جدایی از خلق و بی اعتنائی به احتیاجات و خواستههای خلق.

بوروکرات ماموری را میگویند که بیرو و بیابند بوروکراتیزم باشد. سکتور دولتی: شق دولتی اقتصاد که بر اساس سرمایه گذاری از طرف دولت بوجود می آید و جز منکبت دولت بشمار میرود. (مثل موتور سازی جنگل-کک، کانال ننگرهار، بند برق نفلو، دستسگاه استخراج گاز و نفت و سیلوهای نان بزی وغیره).

کامپرا و ریانلال: بان تشری از بورژوازی (طبقه سرمایه دار غیر ملی) گفته میشود که با بدات بزرگ آن بکمک سرمایه امپریالیستی از طریق فروش محصولات خارجی بدست می آید.

زمون وظيفه

په خلكو كښې اوسيدل
د خلكو په احساساتو پوهيدل
د خلكو په شاوخوا كښې په هر څه پوهيدل
په خلكو پوهيدل
د خلكو سره په سلوك پوهيدل
د خلكو اعتماد گټل

(.....)

د خدايي خدمتگار ستر مشر پاچا خان

د خلكو د دموكراتيكو وخواانو په منځ كښې

د ستر مشر پاچا خان

خان عبدالغفار خان د پښتونستان د استعمار او امپرياليزم ضد د ملي جنبشونو ستر لارښوونكی ه نور د مياشتې په لومړۍ ايډه په داسې حال كښې چې د افغانستان د بيلو بيلو سيمو او خلكو د هېڅو منورينو او وخواوو عناصرو له خوا ورتنه هر كښې ويل كېده - د پادشاهي نورو محمد (تره كې) د خلكو د دموكراتيك جريان ترقي غوښتونكی شخصيت او د پښتو د رېالستيك ليكوال كورته تشرېف يووړ او تقريباً د پنځوساوونو د پاره يې د افغانستان د خلكو د لولو او زامنو سره ډېرې ښه وېرې كېدوې خبرې اترې وكړې .

خان عبدالغفار خان د پښتونستان يو ملي او د استعمار ضد هېښمن قهرمان دی چې په خپل ټول ژوند كښې يې د انگرېزي امپرياليزم او د دوی د اجيرانو په مقابل كښې زور ونيول مبارزې كړې دي . د پښتونستان ستر مشر د يوې غوښتنې په جواب كښې د استعمار او امپرياليزم په ضد د خپلو پرله پسې مبارزو په تيره بيا د پښتنو د چارو سدي او قصه خواي د قهرمانانه جنبشونو په شاوخوا كښې مفصل معلومات وركول او په ډېره واقعيښي يې د پښتونستان د خلكو د اجتماعي ژوند پخوا يو اوږدو جالاو ته گڼو ته وايو له افغانگرېزي او نورو امپريالستانو ټولې هغه دسيسې او دانه مارې پسې رسوا كړې چې دهند د پښتو قاري، آسيا افرېقا او په تيره بيا د پښتونستان او افغانستان د آزادۍ غوښتونكو خلكو سره پسې په ډېرې بهرني كړې دي او كوي پسې .

پاچا خان د خدايي خدمتگار د فلسفې په هكله وويل: «هر څه چې خدای ته خدمت ضرورت نشته نو د هغه د مخلوق خدمت خدای خدمت دی». وروسته تردې خان عبدالغفار خان د پښتونستان د ملي او استعماري ضد قهرمان وويل: «انقلاب يو سيلاب دی کوم قومونه چې ويند، اوبې اتفاق وي هغه وي او کوم قومونه چې ويند او پښتو به اتفاق وي نو هغوی ترې فائده او چټوی». پاچا خان وويل: «له هغو مهمو نتايجو څخه چې ما دخپلې اوږدې مبارزې او سياسي تجربې څخه اخستې دي هغه دادي چې هر كښه ملي تعريفات، اجتماعي شعور او استعماري ضد جنبشونه په كليو او خلكو كښې رڼوې وكړې او په دې ملي تعريفاتو او جنبشونو كښې پيغلي او ميرمنې د آزادۍ غوښتونكو شازلموسره اوږده پاره وړه پرمخ ولاړې شي نو بيا داسې ملي او استعماري ضد مبارزې

نه ماتېدونكې او بريالې نهضت وي او هيڅ راز امپريالستي او اجتماعي د سايس نشي كولى چې هغه شنډه كړي». د پښتونستان ستر مشر دخپلې وينا په ترڅ كښې دخدايي خدمتگارۍ او كانگرېسي د سياسي جرياناتو د متقابلې مرستې او په گټه سره د عدم تشدد په اساس درنځ او عذاب نه ډكې اوږدې مبارزې يادې كړې او د پښتونستان د ملي او امپريالستي ضد ټولې هغه حقې مبارزې بيان كړې كوي چې دهند د آزادۍ او دهند د تجزيې نه وروسته د پښتونستان ملي جنبشونو او اجرياناتو دخپلې ملي خپلواكۍ او دخود اراديت د حق په لاره كښې كړې دي . پاچا خان په پای كښې وويل: «انگرېزي او نوي استعماري طاقتونه په دې څه پوهېده او پوهېدې چې په پښتون كښې سياسي شعور او د استعمار ضد جذبات پاته وو او پاته دي . نو ځكه دوی غوښته او غواړې چې د پښتون د سياسي شعور په هر ډول چه وي مړ كړي ځكه چې انگرېزي امپرياليزم او دغه تالي حقې په دې حقيقت ښه پوهيدلې دي چې كه پښتانه خلق وپېښ شي نو په آسيا كښې به د استعماري په ضد يو لوی او تينگ موزچل مينځ ته راشي . او همدا وجه وه چې ماته پسې اجازت نه را كاوه چې د آزادو قبايلو او با دافغانستان خلكو سره وگورم او دخپل قومي وحدت قصه ورته وږاندې كړم . اوس مې چې موقع وموند له دادي رانغم او غواړم چې د پښتنو د يو منظم په شان د قومي او قومي وحدت د پاره خدمت وكړم». پاچا خان د اميد نه په ډك ژبه وايي ته كړه: «خو هر څه چې د خدمت د ټولو پښتنو (د پاچا خان مراد د پښتونستان او د افغانستان ټول ولسونه دي) خدمت دي نو ځكه

قربا نسيان

ويرانه ها

در قبال بد بختي های بيشمار خلق ز حمتکش و فقير ، مرگت و حشتناك ۱۳ مرد ، زن و طفل سیه روز هموطن ما حادثه غم انگيز ديکري بود که سيمای فلاکت بار زندگي مردم نيمه برهنه ، گرسنه ، مريض ، بي سرپناه و محکوم کشور را آشکارا ساخت انهدام يك سقف (در انخاس) در اثر بارانهای چندروزه و کشته شدن يكدمه انسانها يک همنوزشور جواني و اميدهای زندگي در قلب شان موج ميزد . يك تصادف طبيعي و يك مرگ ساده نبود ، بلکه اين نوع مرگهای نا بهشنگام بود در نارسايی های يك نظام فر توت فيودالي و عقب ماندگي اقتصادي ، سياسي و اجتماعي است . اگر مردم ، کار و حداقل وسايل زندگي دارا باشند ، صحت غذا ، لباس و منازل مستحکم و سالم برای آنان تأمين گردد ، هيچکاه زندگي شان مورد دستبرد حوادث ساده طبيعي قرار نپيگيرد .

يك انگام عادي به مدين شهر کابل با بخت کشور عزيز کافيست که حق و سطح تضاد و اختلاف زندگي مردم را روشن سازد . در يك گوشه آن کاخهای باشکوه و افسانه آميز آباد ميگردد و در گوشه ديگر آن مردم در کوچه ها و پس کوچه ها در کلبه های فرو ريخته و ويرانه های متعفن ، کثيف و کشنده در لجنزار سر اوشت اند و همار دست و پاميز اند .

خلق: در حالیکه هميق ترين تاثرات وطنداري خود را نسبت باين حادثه موحش و لرزا شده ا بر از ميکنند يقين کامل دار در تا چنين تضاد های هميق بين زندگي مردم مامو جود باشد چلو کيري از همچو حوادث کاري دشوار و مشکل خواهد بود .

تلازماد هر پښتون بچي نه دا هيله ده چه زما سره په دی قامی او پښتنی خدمت کښې برخه واخلي . د خان عبدالغفار خان د مفصلې وينا نه وروسته د خلق د جريدي د امپرياليزم و پادشاهي نورو محمد (تره كې) د افغانستان د بيلو بيلو سيمو مترقي او وخواوو عناصرو او په ولسي جرگه كښې د خلق د دموكراتيك جريان د غوښتونكو وكيلاوو په اما بندگي يو محل بيا د پښتونستان ملت دخود اراديه حق دخلك د دموكراتيك مرام په اساس تاييد كړ .

داغم از بگذشته ها

بر شما . . . بر شما ای خلق محنتکش ، سلام ! بر شما ای خلق غمپرور ، درود ! من که عمری در قفس هر نفس : شاهد بیداد گلچین بوده ام روزگارانی دراز دیده ام با چشم باز وحشت غارتگران باغ را در چمن هر بامداد : پیش چشم گل فروش غنچه های تازه را از شاخه های نامراد میدرود .

بارها زین ما چرا حسرت مرغان صحرا خورده ام داغم از بگذشته ها . . . داغم از بگذشته ها . . .

حال کز غم رسته ام و آن قفس بشکسته ام گشته ام از دام بیدردان رها بر بزرگ دره ها یا بیای کوهساران ، از فراز صخره ها در فضای روستا همنوای آبشار : پیشتر از شرح داغ بندگی پیشتر از مرده آزادی می فرستم بر شما : بر شما ای خلق محنتکش ، سلام ! بر شما ای خلق غمپرور ، درود ! بارق شفيعی

(از س اول)

قيام حسيني . . .

اوقاتى مى آيد كه براى نجات خلقهاى ستمد يده (مبارزه بغا طر مبارزه) ضرور است در حالیکه سخنى هم از تناسب قوا در میان نباشد . شهيد ای کربلا قهرمانان غيور و سر سپردگانى هستند که با يستی الهام بخش مبارزين رهاى مردم مظلوم کردند .

شيعت امام حسين (ع) در طول اين تاريخ هميشه بحيت ابوزسيون و جريان ضد يزيده ها به مبارزات سرسخت نظري و عملي دوام دادند . اميد است در شرايط نوين جهان و زندگي مسلمانان دو سعادران حسين (ع) وجد بزرگوارشان در مبارزات ضد استبداد و ارتجاع د ايران اشترک ورزند .

خلق

فعلا هفته يکبار نشر ميشود
صاحب امتياز: نور محمد (تره كې)
مدیر مسؤول: م. حسن (بارق شفيعی)
آدرس: محمد جانخان وان (مقابل کابل ښاروالی)
مطبعه دولتی

اشترک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی
ولایات و پښتونستان: سالانه ۱۱۰ - افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ - دالر
قیمت يك شماره ۲ - افغانی
نمبر حساب دويستی تجارتي بانك (۱۴۱۴)